

روایتی از زندگی فقیه مجاهد و ادیب انقلاب، سیدعلی خامنه‌ای، آقای شهید ایران

از سنگر شعر تا شهادت



صبحگاه نهم اسفند ۱۴۰۴، در خیابان کشور دوست، طنبن انفجار مهیبی تهران را در بهت فرو برد. حملات اسرائیل و آمریکا که آغازگر نبردی ۴۰ روزه بود، با شهادت رهبر انقلاب و اعضای خانواده ایشان در بیت رهبری همراه شد. شهادت این فقیه مجاهد، پایان بخش روایتی ۷۰ ساله از مجاهدت، فرهنگ و سیاست بود؛ مردی که در کنار نقش آفرینی به عنوان یک مبارز سیاسی و انقلابی در دوران طاغوت، از نمایندگی مجلس تا ریاست جمهوری و نهایتاً رهبری انقلاب اسلامی پس از امام خمینی (ره) را تجربه کرد، اما هرگز دل از ادبیات و شعر برنداشت و تا آخرین نفس با تخلص «امین»، به شعر و هنر جان می‌بخشید. این گزارش، روایتی است از سیر تحول این شخصیت بزرگ و چندوجهی، از کوچه‌های فقیرنشین مشهد تا اوج قدرت و نهایتاً شهادت در سنگر مقاومت.

تولد در بستر فقر

سیدعلی حسینی خامنه‌ای، فرزند حجت‌الاسلام سیدجواد خامنه‌ای، فروردین‌ماه ۱۳۱۸ در مشهد مقدس چشم به جهان گشود. او در خانه‌ای ۶۰-۷۰ متری در یکی از محله‌های فقیرنشین مشهد بزرگ شد؛ خانه‌ای که فقط یک اتاق و یک زیرزمین تارک داشت و گاهی شب‌ها به سبب تنگدستی، شامشان نان و کشمش بود. با این حال، فقر مالی هرگز نتوانست غنای فرهنگی خانواده را تحت الشعاع قرار دهد. پدرش، سیدجواد خامنه‌ای، روحانی‌ای پارسا و مدرس علوم دینی بود و مادرش، بانو میردامادی، بانویی روشن‌فکر، حافظ‌شناس، و آشنایی عمیق با قرآن و ادبیات داشت که قصه‌های پیامبران را با نغمه‌های شیرین برای فرزندانش روایت می‌کرد و اولین جرعه‌های ذوق ادبی را در دل علی آقا زنده کرد.

مسیر علم و ادب؛ از حوزه تا رمان‌های جهان

تحصیل را در چهارسالگی از مکتب‌خانه آغاز کرد، دوره دبستان را در مدرسه اسلامی «دیانت» گذراند و هم‌زمان، پا به حوزه علمیه مشهد گذاشت. این مسیر تحصیلی، تلفیقی نادر از علوم حوزوی و مطالعه آزاد بود. او از یک سو نزد استادان بزرگی چون آیت‌الله میلانی تلمذ کرد و از سوی دیگر، عاشق دنیای رمان شد. او در کتابخانه آستان قدس و با کرایه‌کردن کتاب از ویکتور هوگو (بینویان)، تولستوی و رومن رولان را به عنوان برترین آثار تاریخ می‌ستود. همواره بر این باور بود که «هیچ بیانی نمی‌تواند تاریخ را مثل داستان و قصه بیان کند» و این نگاه، بعدها در دیدارهایش با نویسندگان و نقدهای ادبی‌اش متجلی شد. او در انجمن‌های ادبی و مشهد با شاعرانی مانند اخوان ثالث و شفیعی کدکنی هم‌نشین شد و به نقد شعر می‌پرداخت و در سروده‌هایش تخلص «امین» را برگزید تا وجه ملکوتی و آرمانی شعر را به تصویر بکشد.

آغاز مبارزه؛ از جلسات ادبی تا زندان‌های رژیم پهلوی

پیشینه فعالیت‌های سیاسی-مذهبی خاندان آیت‌الله خامنه‌ای، زمینه تربیتی مناسبی برای مبارزه سیاسی-مذهبی او فراهم آورده بود. نقطه آغازین ورود به فعالیت‌های سیاسی، دیدار با سیدمجتبی نواب صفوی در مشهد بود که به بیان خود او اولین بارقه‌های انقلابی را در وی پدید آورد. نخستین دیدار او با امام خمینی در سال ۱۳۳۶ صورت گرفت اما چهره سیاسی امام خمینی برای اولین بار در جریان لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی برای او آشکار شد.

جزو نخستین افرادی بود که همگامی و فعالیت مبارزاتی را در دوره قبل از قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ آغاز کرد. در بهمن ۱۳۴۱، پس از همه‌پرسی لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی، آیت‌الله خامنه‌ای و برادرش سیدمحمد مأمور رساندن گزارش آیت‌الله محمدهادی میلانی به امام خمینی در قالب نامه در مورد واکنش مردم مشهد به این همه‌پرسی شدند.

آیت‌الله خامنه‌ای با بسیاری از روشنفکران و کانون‌های روشنفکری مشهور در عرصه مبارزه نیز ارتباط و همکاری داشت. در سال ۱۳۴۸ به

منظور تبیین مباحث تأثیرگذار در روند مبارزه، به ایراد سخنرانی‌هایی در برخی مراکز فعال سیاسی-اسلامی در تهران از جمله حسینیه ارشاد و مسجد الجواد دعوت شد. سخنرانی‌های او در حسینیه ارشاد که در اواخر سال ۱۳۴۸ و به دنبال دعوت آیت‌الله مرتضی مطهری صورت گرفت و نیز سخنرانی در مسجد الجواد تهران، به دعوت انجمن اسلامی مهندسیین، تأثیر زیادی در روشن‌گری نسل جوان، به ویژه دانشجویان و دانش‌آموزان داشت. آیت‌الله خامنه‌ای در بهار ۱۳۴۹ در راستای عمق‌بخشیدن به روند نهضت اسلامی و تقویت بن‌مایه‌های عقیدتی مبارزه با رژیم پهلوی، سلسله‌جلساتی را پایه‌گذاری کرد که در آن ایده مبارزاتی خود مبنی بر تدوین جهان‌بینی و ایدئولوژی اسلامی را با دعوت از افرادی چون مرتضی مطهری، سیدمحمد طالقانی، سیدابوالفضل زنجانی، مهدی بازرگان، اکبر هاشمی‌رفسنجانی، پدیده سحابی، عباس شیبانی و کاظم سامی به بحث و بررسی گذاشت. این سلسله‌جلسات به تدوین جهان‌بینی و ایدئولوژی اسلامی انجامید. او نه یک سخنران صرف، بلکه یک سازمان‌دهنده و نظریه‌پرداز بود که در تدوین جهان‌بینی اسلامی نقش داشت و شش بار دستگیر و به زندان‌های کمینته مشترک ضدخوابکاری و تبعید به ایرانشهر و جبرفت فرستاده شد. این دوران سخت، فرصتی برای عمق‌بخشی به اندیشه سیاسی او فراهم کرد و او را به نظریه‌پردازی برای تشکیل حکومت اسلامی رهنمون ساخت.

در جبهه‌های جنگ تا مجلس و ریاست جمهوری

پس از پیروزی انقلاب، او به عنوان یک مدیر کارآموده، مسئولیت‌های متعددی را برعهده گرفت. عضویت در شورای انقلاب، تأسیس حزب جمهوری اسلامی، امامت جمعه تهران و نمایندگی مجلس و ریاست جمهوری.

ایشان از نخستین ساعات تجاوز عراق، در جبهه‌ها حضور یافت. نقش او در عملیات شکست حصر آبادان، نمونه‌ای از تصمیم‌گیری در لحظات بحرانی بود که با وجود کمبود امکانات، توانست یک پیروزی استراتژیک را رقم بزند.

همچنین ترور نافرجام او در ششم تیر ۱۳۶۰ توسط منافقین، او را نه تنها از میدان به در نکرد، بلکه بر اراده آهنینش افزود و با وجود آسیب شدید به دست راستش، همچنان به مدیریت جنگ ادامه داد. اما شاید مهم‌ترین بخش کارنامه ایشان، ریاست جمهوری در دوران

دفاع مقدس بود. آغاز ریاست جمهوری آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای در شرایطی رقم خورد که نهاد ریاست جمهوری هنوز از انسجام تشکیلاتی و سازوکارهای مشورتی کارآمد برخوردار نبود. دفتر رئیس جمهور فاقد ساختار تثبیت‌شده و کارگروه‌های تخصصی لازم برای پشتیبانی از وظایف قانونی بود؛ خلأیی که در میانه جنگ و پیچیدگی‌های اداره کشور، بیش از پیش خود را نشان می‌داد. از این رو، بخشی مهم از انرژی دولت صرف ساختارسازی نهادی شد؛ فرایندی که به تدریج با شکل‌گیری حلقه‌های مشورتی و تثبیت سازوکارهای تصمیم‌سازی، صورت‌بندی جدیدی یافت. در ادامه و به منظور رفع ابهام در حدود اختیارات رئیس جمهور - به ویژه در نسبت با نخست‌وزیر - قانون اختیارات رئیس جمهور ۱۶ اردیبهشت ۱۳۶۵ در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید تا مرزهای مسئولیت و پاسخ‌گویی روشن‌تر شود.

دوران رهبری؛ فقاقت، شهادت و میراث فرهنگی

در خرداد ۱۳۶۸، پس از رحلت امام خمینی (ره)، مجلس خبرگان او را به رهبری برگزید. بیش از ۳۰ سال رهبری ایشان، دوران شکل‌گیری مفاهیمی چون «اقتصاد مقاومتی» و «گام دوم انقلاب» بود. اما آنچه وجه تمایز او را رقم می‌زد، نگاه فرهنگی و حمایت راهبردی از جبهه مقاومت بود. او نه تنها یک فقیه و سیاستمدار، بلکه یک ادیب بود که جلساتش با شاعران و نویسندگان برترین نقدهای ادبی را در خود داشت. او حتی در نامه‌هایش به جوانان غربی و دیدارهای مستمر با هنرمندان، از ادبیات به عنوان ابزاری برای دیالوگ و تبیین ارزش‌ها استفاده می‌کرد.

شهادت در بیت

صبح شنبه، نهم اسفند ۱۴۰۴، با اصابت موشک‌های رژیم صهیونیستی و آمریکا، بعد از ۷۰ سال مجاهدت، این فقیه عارف در خانه خود به همراه خانواده به شهادت رسید؛ شهادتی که نه پایان راه، بلکه آغازی دوباره بر روایت ایستادگی در برابر ظلم و طاغوت بود. بدین سان، نامش در تاریخ معاصر ایران نه صرفاً در سلسله سیاستمداران، که در زمره «فقیهان ادیب» ثبت شد؛ مردی که عمری در راه امت و به تاسی از مولای خود، امیرالمؤمنین (ع)، به سوی عزت و شهادت شتافت و میراثی از عقل و ذوق، فقاقت و شاعری، مبارزه و فرهنگ از خود بر جای نهاد.